



پروفیسر شاکر علی خان  
پتال جامع علوم انسانی  
پتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رایزن فرهنگی سابق ایران در ایتالیا:

# امانت‌دار خوبی باشیم

معصومه طاهری

هر نماینده‌ای که تحت هر عنوانی از ایران به دیگر کشورها اعزام می‌شود، باید عزت نفس داشته باشد و به‌عنوان یک مسلمان ایرانی در دل اروپا، به‌عنوان اشاعه‌گر اندیشه‌های ناب انقلاب اسلامی عمل کند، نه این‌که در فضای حاکم بر آن کشورها مستحیل شود

دکتر معصومه طاهری، همسر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا محمد تقی جعفری، در سال ۱۳۶۶ در شهر قم متولد شد. فوق لیسانس را در رشته حقوق از دانشگاه پروجی ایتالیا و دکتری خود را در رشته حقوق و در گرایش حقوق کیفری از دانشگاه تهران گرفت. با وجودی که تحصیلات وی با موضوع سیاست و فعالیت‌های فرهنگی مستقیماً تکرار فرمول اقامت در ایتالیا به یک شخصیت انقلابی و فرهنگی تبدیل شد که هنوز هم پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، به‌عنوان یکی از چهره‌های فرهنگی و سیاسی انقلاب در داخل و خارج از کشور شناخته می‌شود. از سوانح و فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی او در ایران و ایتالیا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

رایزن فرهنگی اسبق جمهوری اسلامی در ایتالیا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تاکنون، تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مسئول امور ایتالیاییان و مساعد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، مسئول امور دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایتالیا در دفتر نمایندگی مقام عالی جمهوری در امور دانشجویان در اروپا، رئیس فعلی مؤرخه آموزشی و پژوهشی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کج فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم شاه قبل از انقلاب و زندانی سیاسی به‌دلیل فعالیت در جهت خط امام<sup>۱</sup> در اروپا، مسئول فرهنگی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا-شاخه ایتالیا، دبیر کل انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان ایتالیا، عضو مؤسس انجمن اسلامی اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، وی در جریان تهیه فیلم مستند شهید آوار (مهدی) در ایتالیا بازداشت شد و به مدت پنج سال از محدوده اتحادیه اروپا اخراج شد. دکتر حسینی هم‌اکنون در خواب بیدار و همکار قدیمی خود دکتر قدیری آبیانه، که مدتی است به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، مکزیک می‌برد، رسالت معرفی و شناساندن شهید آوار (مهدی) آن‌هلی را به‌عنوان یکی از مصادیق بارز تأثیر انقلاب در غرب عهده‌دار شده و مجموعه سخن‌رانی‌های را با همکاری انجمن اسلامی شهید آوار (مهدی) در سراسر کشور ارائه می‌دهد. در این گفت‌وگو، دیدگاه وی را در مورد تأثیرات انقلاب اسلامی در غرب جویا شده‌ایم.

گروهک‌های تروریست که بعد از انقلاب هیچ جایگاهی در بین انقلابیون ایرانی نداشتند، در ایتالیا فعالیت می‌کردند و به‌شدت تحت حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی بودند.

با وجود همه‌ها و تبلیغات منفی رسانه‌های غرب بر ضد انقلاب اسلامی ایران در کشور ایتالیا، چه عکس‌العمل‌هایی نسبت به شما ایرانیان وجود داشت؟

مردم ابتدا به دلیل تبلیغات منفی، دیدگاه خوبی نسبت به ایرانیان نداشتند و ما را همان‌گونه که رسانه‌ها معرفی می‌کردند می‌پنداشتند، حتی سعی می‌کردند از ما دوری کنند. ولی وقتی به تدریج ارتباط آن‌ها با بچه‌های انقلابی ایران، به‌خصوص دانشجویان ساکن در آن‌جا برقرار شد، نظرشان برگشت. ما در آن زمان در

با توجه به حضور شما در اروپا در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بازتاب انقلاب ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اروپا و به‌طور کلی دنیای غرب، دشمنی آشکاری با انقلاب اسلامی و شخصیت امام راحل داشته و دارند و رسانه‌ها و مطبوعات هم به‌شدت فضای ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ را با سیاه‌نمایی نشان می‌دادند، به‌صورتی که عامه مردم اروپا از ایران تصویر خوبی در ذهن نداشتند. در چنین فضایی، دانشجویان ایرانی پیرو خط امام به روشن‌گری در مورد انقلاب اسلامی می‌پرداختند. فعالان سیاسی و گروه‌های مختلف دیگر نیز در خارج از کشور، اعم از طیف‌های موافق یا مخالف ضد انقلاب، در اروپا فعالیت داشتند؛ به‌ویژه



مسلمان هستند، کار ساده‌ای نیست. در ایتالیا که بودم در مجلسی آقای گزارش‌گر واحد مرکزی خبر در رم را دیدم که به راحتی با خانم‌های آن‌جا دست می‌داد و با آن‌ها خوش و بش می‌کرد. وقتی من را دید با لحنی توجیه‌گرانه که انگار چاره‌ای ندارد گفت: «مجبوریم برای برقراری ارتباط این کار را انجام بدهیم». آیا این شایسته نماینده رسانه کشورمان در خارج از کشور است که از چنین روش‌هایی استفاده کند تا با او مصاحبه کنند؟ آن هم در ایتالیا که، به تعبیر شما، مقر و محل مسیحیت و افراطیون است و نسبت به مسلمانان نگاه خوبی ندارند.

دیپلمات و اصولاً هر نماینده‌ای که تحت هر عنوانی از ایران به دیگر کشورها اعزام می‌شود، باید عزت نفس داشته باشد و به عنوان یک مسلمان ایرانی در دل اروپا، به عنوان اشاعه‌گر اندیشه‌های ناب انقلاب اسلامی عمل کند، نه این که در فضای حاکم بر آن کشورها مستحیل شود. البته خوش‌بختانه بیش‌تر دانشجویان انقلابی ایرانی در اروپا و اقصی نقاط جهان به دلایل فراوان، تاثیر زیادی در نشر آرمان‌های انقلاب داشته‌اند و باید این مسیر و این جریان تعریف‌شده و مدون به هر شکل ممکن ادامه یابد.

با یکی از مستبصرین که صحبت می‌کردم، می‌گفت شما ایرانیان در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مثل ماهی در اقیانوس هستید و نمی‌دانید از چه نعمتی برخوردار شده‌اید. با توجه به این که شما سال‌ها در فضای بیرون از کشور، آن هم در دل غرب افراطی یعنی ایتالیا زندگی کرده‌اید، نظرتان درباره این گزاره چیست؟

وقتی آدم از کشور و وطن خود بیرون می‌رود، حقیقتاً درک می‌کند که در ایران اسلامی‌مان چه نعمت‌هایی داریم. مثل آن ماهی که وقتی از آب بیرون می‌افتد، تازه قدر آب و زندگی را می‌فهمد، مثلاً ما در ایران علما و روحانیانی داریم که جواب‌گوی پرسش‌های معنوی افراد هستند، اما در غرب هیچ‌کس پاسخ‌گوی نیازهای معنوی و روحانی انسان نیست.

مردم در اروپا دنباله‌رو و مقلد هستند، اغلب به مسائل مالی و جزئیات سرگرم‌اند و به‌شکلی عجیب مسخ شده‌اند. در واقع در چنان محیط‌های بی‌معنویی است که می‌فهمیم که هستیم و چه داریم. انسان غربی دریند جزئیاتی است که تمام عمر خودش را صرف دستیابی به آن‌ها می‌کند. همه زندگی‌اش اقساطی است و اگر یک سال کار نکنند، کارتن‌خواب و بی‌خانمان می‌شود. سرمایه‌های نمی‌اندوزد، بلکه کار می‌کند تا از قطار تجملات زندگی عقب نماند. لباسی که می‌پوشد اگر از مد افتاده باشد، نمی‌تواند دوباره بپوشد، چون انگشت‌نما می‌شود. در واقع جامعه، او را طوری هدایت می‌کند تا همیشه به چیزی سرگرم باشد. این سرگرمی‌ها او را از اهداف متعالی غافل می‌کند.

**امواج سونامی انقلاب اسلامی ایران تا چه اندازه‌ای دنیای مدرن و مادی‌گرای غرب را متاثر ساخته است؟**

به‌شدت تاثیرگذار بوده و دنیای غرب را متحول کرده است. امروز در کشورهای غربی، تعداد قابل توجهی به اسلام و به‌ویژه تشیع روآورده‌اند. مدام در کشورهای غربی، جلسات و برنامه‌های دعوت به اسلام و تشیع برپا می‌شود و این‌ها همه موهن انقلاب اسلامی و شخصیت امام‌خمینی<sup>(ع)</sup> است، زیرا هر چه تبلیغات منفی بیش‌تر می‌شود، متقابلاً گرایش و کنجکاوی توده مردم نسبت به انقلاب و اسلام هم بیش‌تر می‌شود و آنان را مجذوب اسلام می‌کند. چون این گرایش‌ها از روی تحقیق و شناخت بوده است، آن‌ها بسیار

شهر پروجا، که یک شهر دانشجویی است، ساکن بودیم. در پنج کیلومتری این شهر، روستایی وجود داشت که کشیش کلیسای آن به دلیل مراد و رفت و آمدی که با دانشجویان ایرانی پیرو خط امام داشت، به آن‌ها علاقه‌مند بود و با آن‌ها به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت. او بارها در سخن‌رانی‌های خود می‌گفت: «دانشجویان ایرانی نسبت به حضرت مسیح (س) و مریم مقدس از ما ایتالیایی‌ها مومن‌تر هستند». به ما احترام زیادی می‌گذاشت. حتی روز تولد حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> برای دانشجویان هدیه می‌فرستاد و ما را به عنوان معتقدانی که حضرت مسیح را قبول داریم، معرفی می‌کرد. بعد از مدتی آن کشیش بیچاره را از مقام خود عزل کردند و معلوم نشد چه بلایی بر سرش آوردند. بعدها گفتند سگتکه کرده و قادر به فعالیت و اداره کلیسا نیست و کشیشی آمریکایی‌الاصل به جای او گذاشتند تا با ما ارتباط نداشته باشد. همین‌طور هم شد، زیرا دیگر کلیسا با ما ارتباطی برقرار نکرد.

**چه عاملی باعث می‌شود تا در ایتالیا، که مقرر مذهب کاتولیک و افراطیون لیبرالیست است، مسلمانان ایرانی بتوانند از ارزش‌های انقلابی و اسلامی خود محافظت کنند؟** البته تمام ایرانی‌هایی که به هر صورتی در خارج از کشور زندگی می‌کنند، پای‌بند به ارزش‌ها و اصول انقلابی نیستند، مگر این که به‌واقع بفهمند چه وظیفه سنگینی بر دوش دارند. متأسفانه دیپلماسی ما هم نیروهای مخلص، معتقد به انقلاب و کارآمد را به این مکان‌ها نفرستاده است. بعضی از کسانی که به نام دولت جمهوری اسلامی در آن‌جا فعالیت می‌کنند، شایستگی‌های لازم را ندارند تا نماینده و معرف انقلاب و ایران اسلامی باشند، مثلاً اگر فقط بخواهیم به لحاظ ظاهر بگوئیم، آن‌ها آن قدر خودشان را متشبه به اروپایی‌ها می‌کنند که دیگر تشخیص این که یک ایرانی

ما در ایران علما و روحانیانی داریم که جواب‌گوی پرسش‌های معنوی افراد هستند؛ اما در غرب هیچ‌کس پاسخ‌گوی نیازهای معنوی و روحانی انسان نیست

مقید و پای‌بند هستند.

**چرا با وجود گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، اسلام و به‌ویژه تشیع، در ایتالیا روند کندی را پشت سر می‌گذرانند؟ شما فکر می‌کنید وجود سی‌هزار شیعه در این کشور، رقم رضایت‌بخشی است؟**

در سال ۱۳۵۸، یعنی اوایل انقلاب، شیعه ایتالیایی حکم کیمیا را داشت؛ ولی آماري که شما می‌دهید، اگر درست باشد، بسیار جای خوش‌حالی دارد و نویدبخش است. به‌رحال ایتالیا مقرر مذهب کاتولیک و مسیحیت است و تشرف به دین اسلام برای آن‌ها قابل تحمل نیست. شیعیان با این‌که تحت فشار زیادی هستند، ولی فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند. شنیدم که در سال ۱۳۸۷ برای شهید ادوار دو(مهدی) مراسم سال‌گرد گرفتند که این کار، آن هم در کشور ایتالیا، مشکل است. آن‌ها به نسبت مسیحیت در اقلیت هستند، ولی انگیزه بالایی در اجرای برنامه‌های دینی و شعائر اسلامی خود دارند.

**در مدتی که به‌عنوان رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا فعالیت می‌کردید، چه اقداماتی برای نشر اهداف انقلاب اسلامی در این کشور انجام داده‌اید؟**

آن‌چه در حقیقت برای خود من ارزش داشت، این بود که در کنار فعالیت‌های حرفه‌ای، به شیعیان ایتالیا کمک کنم و ارتباط چهره‌به‌چهره با آن‌ها داشته باشم که این کار با تأثیرات زیادی همراه بود. از نشریه ایتالیایی‌زبان «اسلام ناب» حمایت می‌کردم، که به لطف خدا، این نشریه از معدود نشریات خوب و ماندگار مسلمانان ایتالیا شده است.

**چه شد که انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان ایتالیا را تشکیل دادید؟ آیا گروه‌های دیگری هم در این زمینه فعالیت می‌کردند؟**

ما از میان اعضای سابق اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا-شاخه ایتالیا- تنها گروه طرفدار انقلاب اسلامی ایران بودیم که در راه نشر اهداف و ارزش‌های انقلاب فعالیت می‌کرد، زیرا گروه‌های مخالف نظام هم در اروپا حضور دارند. پس از بازگشت به میهن اسلامی خواستیم که همان راه را ادامه دهیم، لذا انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان ایتالیا را تاسیس کردیم که من کوچک‌ترین عضو این تشکل هستم.

**انقلاب اسلامی ایران بیش‌تر روی چه قشری از مردم اثر داشت و نگاه نخبگان و اندیشمندان غربی به این تحول جهانی چگونه بود؟**

مسلمانان دانشجویان و نخبگان به‌نسبت عوام جامعه، بیش‌ترین تأثیرپذیری را از انقلاب ایران داشتند؛ زیرا بیش‌تر فعالیت‌های سیاسی و حزبی از دانشگاه‌ها شروع می‌شد. به‌خصوص طیف ملی‌گرایان ایتالیا در مورد انقلاب ایران کنجکاوی بیش‌تری نشان می‌دادند، زیرا کمونیست‌های‌شان گروه‌های وارداتی و وابسته بودند، مثل حزب توده قبل از انقلاب در ایران و در مسیری خلاف جریان جامعه حرکت می‌کردند. در مقابل، وطن‌پرستان و ملی‌گراها، بیش‌تر تحت تأثیر انقلاب و شخصیت امام خمینی<sup>(ع)</sup> بودند. امام راحل در نظر آن‌ها فردی انقلابی، استوار و قاطع بود. در رسانه‌ها و مطبوعات اروپایی، امام را به‌عنوان یک چهره خشن و تندرو ترسیم می‌کردند و همین امر باعث کنجکاوی احزاب و گروه‌های انقلابی آن منطقه می‌شد تا اشتراکات خودشان را با امام جست‌وجو کنند و بعد کم‌کم شیفته و مجذوب شخصیت امام خمینی<sup>(ع)</sup> و اهداف

انقلابی‌شان می‌شدند. در حقیقت، این طبیعی است که هر چه تبلیغات منفی در رابطه با موضوعی بیش‌تر شود، مردم نسبت به آن موضوع حساس‌تر و کنجکاوتر می‌شوند. همین امر یکی از دلایل گرایش به اسلام در اروپاست.

**در ساز و کار گزینش وزارت خارجه ایران چه ملاک‌هایی باید مورد تأکید باشد تا افرادی شایسته و انقلابی به‌عنوان فعال فرهنگی و تبلیغ تفکرات ناب انقلاب اسلامی در خارج از کشور انتخاب شوند؟**

دیپلماسی ایران در اروپا خیلی جدی و حساس عمل نکرده و

انسان غربی در بند جزئیاتی است که تمام عمر خودش را صرف دستیابی به آن‌ها می‌کند. همه زندگی‌اش اقساطی است و اگر یک سال کار نکند، کارتن‌خواب و بی‌خانمان می‌شود. سرمایه‌ای نمی‌اندوزد، بلکه کار می‌کند تا از قطار تجملات زندگی عقب نماند





مناسب خط مقدم فرهنگی و سیاسی کشور نیست. در واقع، غالباً افرادی را که از کار خسته شده‌اند به خارج می‌فرستند تا هم هوایی عوض کنند و هم مدتی به‌عنوان سفیر، رایزن و... فعالیت داشته باشند. نباید از افرادی که هدفشان صرفاً بیرون رفتن از ایران است، انتظار خاصی داشت. من بین بدنه دیپلماسی خودمان با ارزش‌های انقلاب اسلامی فاصله می‌بینم. البته همه دوستانی که به خارج می‌روند، این‌گونه نیستند. در بعضی از دولت‌های قبل، آقایان نیروهای خود را در آخرهای دوره کاری دولت‌شان، یعنی نزدیک به انتخابات ریاست‌جمهوری، اعزام می‌کردند. مثلاً معاون وزیر نفت به‌عنوان سفیر به اروپا می‌رفت، در صورتی که هیچ شناختی از آن کشور نداشت. این واقعا مایه تأسف است. روزی رهبر شیعیان ایتالیا می‌گفت: «خدا را شکر که اسلام را از این‌ها یاد نگرفتم و گرنه ده‌ها بار کافر شده بودم». من در دولت فعلی در خارج از کشور حضور نداشته‌ام، ولی با توجه به دیپلماسی قوی دکتر احمدی‌نژاد، مطمئنم که این شرایط تغییر می‌کند. ایشان دیپلماسی ما را از انفعال خارج ساخت.

دیپلماسی، افرادی را می‌طلبد که نسبت به کار خود اشراف و شناخت کافی داشته باشند. یک دیپلمات باید باهوش، زیرک، متخصص و از عزت نفس بالایی برخوردار باشد تا به راحتی مرعوب نشود. افرادی که مقابل خودی‌ها سینه سپر می‌کنند و در برابر بیگانه نرم و منعطف هستند، بی‌شک برای دیپلماسی مناسب نیستند. پروفیسور پیه مونتزه، رایزن فرهنگی ایتالیا در ایران بود که به ادبیات فارسی ما اشراف داشت و به‌خوبی کشور ما را می‌شناخت. این شخص در زمان حضورش در ایران چه‌ها که نکرد، چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر نزد کالا و ... درحالی که ما درست برعکس عمل می‌کنیم. افرادی که نسبت به محیط آشنایی ندارند، فعالیت‌هایشان خواسته یا ناخواسته نتیجه عکس می‌دهد. باید در کشور ما این روی کرد به‌منزله یک قانون پذیرفته شود که دیپلماسی، پاداش نیست، بلکه یک رسالت است و هرکس را نباید به آن سوی مرزها فرستاد، زیرا این امر باعث محدودیت نشر اهداف انقلاب می‌شود. من ندیدم که در این زمینه موفق باشیم. اگر کار فرهنگی مناسب و خوبی هم به انجام رسیده عمدتاً از سوی شهروندان و دانشجویان بوده است، تا از طریق دیپلمات‌ها.

**علت ظهور و بروز شخصیت‌های شیعه و مسلمانی مانند شهید ادواردو در دل غرب، که با وجود ثروت و امکانات دنیوی، به اسلام گرایش پیدا می‌کنند، چیست؟**

به‌طور کلی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دنیای غرب با چالش بزرگی مواجه شده است، زیرا تا قبل از آن، قریب به یک قرن، حرکتی تک‌بعدی داشت. یعنی عقلانیت منهای ارزش‌های اخلاقی که در آن، اسارت هواهای نفسانی و شهوانی به چشم می‌خورد و کاری به معنویت نداشت. روی این حساب، انسان که همیشه به‌دنبال گم‌شده خود بوده است، این خلاء را در دنیای غرب احساس می‌کند و به‌دنبال گم‌شده خود می‌گردد. لذا با وقوع انقلاب جهانی اسلام در ایران، که جامع عقل، عشق، احساس و تفکر مبتنی بر دین اسلام بود، به یک‌باره انسان غربی، گم‌شده خود را در اسلام و از طریق انقلاب ایران پیدا کرد. شهید ادواردو هم به اسلام گرایش داشت، ولی ابتدا سنی شده بود؛ بعد از آشنایی با

آقای قدیری بیانیه که آن زمان روحیه‌ای دانشجویی داشت، شیفته تشیع شد و بعد از سفر به ایران و دیدار با امام راحل، این علاقه صد چندان شد و چون با آگاهی به این راه قدم گذاشته بود، به تمام داشته‌های دنیایی خود پشت پا زد. اصولاً سنی‌های ایتالیا چون پدر و مادرشان سنی نبوده‌اند و مسیر اهل سنت را به‌علت علاقه به اسلام دنبال کرده‌اند، خیلی زود به تشیع روی می‌آورند. **امام خمینی<sup>(ره)</sup> بارها در سخنان‌شان تاکید داشته‌اند که انقلاب ما انقلابی فرهنگی بود. آیا ما توانسته‌ایم طی این سه دهه در این زمینه عمل کرد موفقیت‌آمیزی داشته باشیم؟**

امام راحل به این امر سفارش زیادی داشتند، کم‌این‌که بر همین اساس هم عمل کردند. ولی متأسفانه دست‌هایی پیدا و پنهان و تعریف‌شده، فعالیت می‌کنند و نمی‌گذارند برنامه‌های فرهنگی با موفقیت پیش بروند. البته در راس نظام یعنی مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری و بیش‌تر مسؤولان ارشد بر مبنای اصول متعالی اسلام و انقلاب عمل می‌کنند، ولی بدنه‌ای که این فضاها را پر کرده است به این سادگی اجازه نمی‌دهد تا فعالیت فرهنگی و ارزشی موفق داشته باشیم. مثلاً همین که دولت‌های قبلی در پایان عمرشان، نیروهای ناآشنا با کشورها را به خارج فرستادند، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بود. زیرا غرب با ما در مخاصمه و دشمنی است و دیپلماتی که نتواند از ارزش‌های انقلاب اسلامی دفاع کند و به‌راحتی مرعوب شود، خسارتی جبران‌ناپذیر به نظام وارد خواهد آورد.

**چرا بعد از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز نتوانسته‌ایم در این باره نظریه‌پردازی جامع و کاملی داشته باشیم و منفعلانه عمل کرده‌ایم؟**

این حرف را که ما هنوز نظریه و تئوری کاملی نداشته‌ایم، قبول ندارم، زیرا رهنمودهای حضرت امام<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری کاملاً جواب‌گوی این‌گونه مسائل بوده است. اگر در بدنه نتوانسته‌ایم انقلاب اسلامی را به‌خوبی معرفی و تعریف کنیم، دلیل بر این نیست که تاکنون کاری نشده است. برای این کار همه باید دست‌در‌دست هم اقدام کنیم. تجربه نشان داده است که رسانه‌ها و مطبوعات، دیپلماسی مناسب و کارشناسانه، برخورد چهره‌به‌چهره با شهروندان دیگر ملل و دانشجویان در این زمینه موفق بوده‌اند.

**آیا ابعاد ناشناخته‌ای در انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟**

بله، ما به‌عنوان یک ایرانی مسلمان، هنوز ابعاد وجودی شخصیت امام خمینی<sup>(ره)</sup> را نشناخته‌ایم و هر چه جلوتر می‌رویم به نکات تازه‌ای می‌رسیم که ما کجا و امام خمینی<sup>(ره)</sup> کجا. طبیعتاً هنوز انقلابی را هم که امام ایجاد کرده‌اند، به‌خوبی نمی‌شناسیم. رهبری که خود جامع‌اضداد بود؛ از یک طرف مدرس فلسفه و منطق و پیش‌قراول عرفان و سلوک، و از طرف دیگر مرد مبارزه و پیکار. هم‌چنین شهادت انقلاب اسلامی، مردان و زنانی که برای ارزش‌ها و آرمان‌های نظام و پیروی از ولایت فقیه، داوطلبانه در مسیر شهادت گام برمی‌داشتند، شهادتی که برخی از آن‌ها حتی با شهادت عاشورا برابری می‌کنند. لذا ما وظیفه سنگینی بر دوش داریم تا انقلاب را شناسایی کنیم. نخبگان جامعه باید سعی کنند ابعاد انقلاب را بیش‌تر بررسی و برای عموم مردم روشن‌گری کنند. متأسفانه در این حوزه غفلت کرده‌ایم. بعضی از گروه‌ها دوران انقلاب را تمام‌شده می‌دانند و در واقع پرونده امام و حرف‌های‌شان



بعضی از گروه‌ها دوران انقلاب را تمام‌شده می‌دانند و در واقع پرونده امام و حرف‌های‌شان را مختومه تلقی می‌کنند. انقلاب اسلامی ایران مانند اقیانوسی است که باید به اعماق آن رفت و نباید این چنین سطحی به آن پرداخت

این میان از همه جالب‌تر، خبرنگار غربی بود که تا چند روز قبل، خوش‌حال از بیماری امام و رحلت قریب‌الوقوع ایشان خبر می‌داد، ولی در آن روز تاریخی، احساسات خود را بدون این که سانسور کند این‌گونه بیان کرد: «کسی از دنیا رفت که قرن‌ها بشر به خود ندیده بود و قرن‌ها به خود نخواهد دید». شهیدمطهری این مورد را درباره حضرت علی<sup>(ع)</sup> گفته بود و حالا این خبرنگار درباره امام خمینی<sup>(ره)</sup> بیان کرد. بعد از آن، گروهک‌ها و منافقینی که تا دیروز ما را اذیت می‌کردند و شاد بودند، در واقع مردند و دیگر خبری از آن‌ها و آزار و اذیت‌های‌شان نبود. مردم ایتالیا که عزاداری ما را در رحلت امام دیده بودند، با تعجب به ما نگاه می‌کردند، زیرا آن‌ها برای عزیزترین کسان‌شان هم اشک نمی‌ریزند، چه برسد برای رهبر کشورشان، ولی مردم ایران برای رهبرشان این‌طور اشک می‌ریختند و عزادار بودند. در حالی که هر دوره‌ای کسی می‌آید و رهبری یک ملت و کشور را عهده‌دار می‌شود و می‌رود. این عزاداری ملی برای آن‌ها باورنکردنی بود. از آن لحظه به بعد شهروندان ایتالیا نسبت به ما ایرانیان و انقلاب‌مان به دیده احترام نگاه می‌کردند. این به نظر من همان برکات انقلاب اسلامی ایران است که باعث می‌شود خود رسانه‌های غربی هم با عجز و ناتوانی در مقابل آن تسلیم شوند و در مورد پایه‌گذار انقلاب این‌طور بگویند. خدا را شکر که چنین نعمتی را با ما عطا فرمود تا بتوانیم با غرور در برابر دشمنان متکبر و ضد اسلام، سَرِمان را بالا بگیریم و در هر گوشه‌ای از دنیا که باشیم به خود ببالیم. امیدوارم امانت‌داران خوبی باشیم. ■

را مختومه تلقی می‌کنند. انقلاب اسلامی ایران مانند اقیانوسی است که باید به اعماق آن رفت و نباید این چنین سطحی به آن پرداخت.

**اگر در طی اقامت‌تان در ایتالیا، خاطره‌ای به یادماندنی دارید، برای‌مان بازگو کنید.**

خاطره‌های تلخ و شیرین زیادی به یاد دارم، ولی آن‌چه در ذهن من به جا مانده، ماجرای ارتحال امام خمینی<sup>(ره)</sup> است. گفتم تبلیغات منفی و سیاه‌نمایی رسانه‌ها علیه ایران بعد از انقلاب در غرب غوغا می‌کرد، به‌ویژه گروهک‌های منافقین مدام به دنبال ضربه‌زدن به ما بودند که اوضاع را به‌طور مضاعف، خفقان‌آور کرده بود تا این که خبر بیماری امام خمینی<sup>(ره)</sup> در همه جا پخشید و رسانه‌ها از ارتحال امام می‌گفتند و این که سرانجام از شر این نظام خلاص می‌شوند و کار انقلاب ایران هم با مرگ امام‌شان دیگر تمام است. منافقین هم که برخورد تند و خشنی با انقلابیون در ایتالیا داشتند و از این قضیه خوشحال بودند. جو بسیار سنگینی حاکم بود. همین که امام رحلت کردند، رسانه‌های غرب مجبور بودند خیرش را به تصویر بکشند و انعکاس بدهند تا به قول خودشان اوضاع بعد از مرگ امام خمینی<sup>(ره)</sup> را برای مردم نشان بدهند. مراسم خاک‌سپاری امام با آن سیل جمعیت که چندین بار هم به عقب افتاد، به‌طور مستقیم پخش می‌شد. من آن زمان دانشجوی بودم، در سالن خوابگاه دانشجویی، تلویزیون روشن بود، فضا کاملاً عوض شده بود و همه ما اشک می‌ریختیم. مردم در تلویزیون گریه می‌کردند. در